

مجمع مدافعان حقوق بشر

مروری بر قانون امر به معروف و نهی از منکر

مقدمه

یکی از شاخص های بارز حکومت دیفکتوی طالبان انفاذ قوانین و فرامین بی شماری است که منجر به تخطی گسترده ی حقوق اساسی بشری شهروندان افغانستان می گردند. در تازه ترین مورد، قانون امر به معروف و نهی از منکر (جریده ی رسمی شماره 1452) که توسط این حکومت موقت منتشر شده است، از جهات مختلفی با اصول عدالت، حقوق بشر و بافت فرهنگی و اخلاق اجتماعی و دینی شهروندان افغانستان مغایرت دارد. این یادداشت حقوقی به بررسی این مغایرت ها با تأکید بر نقض حقوق اساسی بشری، مداخلات غیرموجه در حریم خصوصی، و تعارض با اصول حاکمیت قانون می پردازد.

1. نقض حقوق اساسی بشری و به ویژه تحکیم آپارتاید جنسیتی

یکی از مهمترین جنبه های این قانون، نقض گسترده حقوق زنان است. قانون مذکور تبعیض علیه زنان و آپارتاید جنسیتی را به طور وسیع قانونی می کند. به عنوان مثال، در این قانون محدودیت های شدیدی بر نحوه ی پوشش زنان اعمال شده و صدای زنان به عنوان "عورت" تعریف شده است. این گونه مقررات نه تنها با اصل تساوی در برابر قانون مغایرت دارد، بلکه با حقوق بنیادین بشری نیز در تضاد است. زیرا برخورداری از حقوق ذاتی بشری، مانند آزادی و حقوق اجتماعی و اقتصادی، مستلزم حرکت و تعامل با اجتماع و مردم است. این قانون با منع صدای زنان و با محدود کردن حق آزادی حرکت آنان در واقع زمینه ی برخورداری زنان از تمام حقوق شان را از بین می برد زیرا بدون تعامل و حرکت فعالیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و مدنی ممکن نیست. اما روح این قانون بر این اصل استوار است، که زنان باید صرفاً در قلمرو خانه بمانند و این نوع برخورد با زنان، مصداق بارز آپارتاید جنسیتی است.

2. مداخلات غیرموجه در حریم خصوصی

این قانون به عوامل حکومت موقت طالبان (محتسبان) اجازه می دهد تا در حریم خصوصی افراد مداخله کنند، از جمله در مورد نحوه ی پوشش و اصلاح سر و صورت. در فرهنگ افغانستان، حریم خصوصی افراد همواره مورد احترام بوده و مداخلات در آن قبیح شمرده می شود. این قانون اما به طور صریح رویه هایی را قانونی کرده است که به محتسبان اجازه می دهد تا در امور شخصی و خصوصی مردم دخالت و یا آنان را با توسل به زور مجبور به اجرای تکلیفی شرعی مانند نماز کنند که این رویه علاوه بر نقض حریم خصوصی افراد، کرامت انسانی شهروندان را نیز نقض می زند.

3. تعارض با اصول حاکمیت قانون

قانون امر به معروف و نهی از منکر برخلاف اصول شناخته شده ی حقوقی و قانونی تدوین شده است. یکی از مهمترین اصول حاکمیت قانون، حفاظت از حقوق و آزادی های مردم و جلوگیری از بازداشت های خودسرانه و تفتیش های خودسرانه است. در حالی که این قانون، دست محتسبان را برای مداخله در حریم خصوصی و آزادی های شخصی مردم باز گذاشته است، هیچ رویه ی

عدلی و قضایی مشخصی را برای بررسی اقدامات محتسبان پیش بینی نکرده است، که این امر می تواند منجر به سوءاستفاده های گسترده از قدرت و تعارض یا رویه ی عدلی و قضایی شود.

4. مغایرت با اخلاق اسلامی و بافت فرهنگی و اجتماعی

این قانون با اخلاق اسلامی و اجتماعی مردم افغانستان نیز در تعارض است. عرف پسندیده ی افغانستان، مصلحت ها، هنجارها و ارزشهایی مانند احترام به کرامت انسانی و نفی آزار و توهین به مردم را تولید و بازتولید می کند که زمینه ی توسعه ی اجتماعی و انسانی و زندگی صلح آمیز را فراهم می سازد. این قانون تلاش می کند تا بر خلاف اخلاق اسلامی و اجتماعی مردم افغانستان، با قرائتی مضیق از شریعت "مصادیق معروف و منکر" را بسیار مجمل باز تعریف کند و نقض آن را جرم انگاری نماید و آزار و اذیت مردم و محدودیت هایی مانند منع صدای زنان یا اجبار به پوشیدن نحوه ی خاصی از پوشش و یا تنفیذ رویه هایی خلاف کرامت انسانی - که در فرهنگ افغانستان مرسوم نیست - را قانونی کند. از اینرو قانون نشانه ی عدم درک صحیح از عرف و اخلاق حمیده ی اجتماعی و اسلامی روادارانه شهروندان کشور است.

5. مغایرت با فرهنگ و هنر و نظام اجتماعی

فرهنگ مشترک به شمول آثار فرهنگی و هنر، میراث مشترک جوامع است و اصولا حکومت، مکلف به فراهم کردن زمینه ی تعالی فرهنگ و هنر است. اما این قانون اکثر مظاهر و دستاوردهای فرهنگی مردم افغانستان را ممنوع کرده است، از جمله موسیقی، نقاشی، فیلم، و عکس و پیکرتراشی. بدین سبب این قانون تهدیدی جدی بر میراث فرهنگی و باعث زوال هنر و فرار هنرمندان از افغانستان می گردد و از سویی، فرهنگ با هویت جمعی شهروندان مرتبط است، و هر نوع تلاش برای زوال آن، در مغایرت با خواسته ی جمعی مردم نیز می باشد.

6. مغایرت با پیشرفت های تقنینی

یکی از مهمترین نقاط ضعف قانون امر به معروف و نهی از منکر، عدم توجه به پیشرفت های اجتماعی و نیازهای زمان و مکان است. این قانون، بر اساس برداشت های افراطی از آموزه های دینی تدوین شده و با تغییرات و تحولات اجتماعی و حقوقی مدرن هیچگونه همخوانی ندارد. در حالیکه در بسیاری از کشورهای اسلامی، قوانین منتج از فقه و دیگر منابع حقوقی، بر اساس نیازهای زمان و مکان و با توجه به پیشرفت های اجتماعی و حقوقی بازنگری و به روزرسانی می شوند. برای مثال، موضوعاتی مانند آموزش و حقوق اجتماعی و سیاسی زنان و رفع تبعیض که در دیگر کشورهای اسلامی به نافذ شده و در قوانین آن کشورها نهادینه شده اند. همچنین، همه ی کشورهای اسلامی اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های مرتبط با آن را پذیرفته و تلاش می کنند تا در تدوین قوانین ملی خود، این اصول را رعایت کنند. اما قانون جدید طالبان، با اتکا به تفاسیر عقب گرایانه از آموزه های شرعی، تمامی پیشرفت های قانونگذاری، حقوقی و اجتماعی افغانستان را نادیده گرفته و به جای حرکت به سوی تطابق با نیازهای زمان و مکان، زمینه ی توسعه ی انسانی کشور را نابود می سازد. این رویکرد باعث انزوای افغانستان در جامعه ی اسلامی و بین المللی نیز خواهد شد، چرا که این کشور از روند تطور حقوقی و اجتماعی جهانی عقب می ماند.

با توجه به موارد پیش گفته، روشن است که قانون امر به معروف و نهی از منکر حکومت موقت طالبان، با نادیده گرفتن حقوق اساسی بشری، مداخله در حریم خصوصی افراد، و مغایرت با اصول حاکمیت قانون، تعارض‌های گسترده‌ای با عدالت، اخلاق اسلامی و اجتماعی مردم افغانستان و پیشترت‌های حقوقی و فقهی دارد. اجرای این قانون نه تنها موجب نقض حقوق بشر می‌شود، بلکه تهدیدی جدی برای انسجام اجتماعی و فرهنگ و هویت جمعی مردم افغانستان نیز به شمار می‌رود. بدین لحاظ مجمع مدافعان حقوق بشر HRD+، مطالبات زیر را مطرح می‌کند:

- مجمع مدافعان حقوق بشر به این باور است که فرامین طالبان، به ویژه قانون اخیر، مبنای فلسفه حقوقی و نظام حقوقی افغانستان را که بازده ده‌ها سال کار و دولت داری در کشور است، شدیداً صدمه رسانیده است. مجمع مدافعان حقوق بشر، از نهادهای حقوقی ملی و بین‌المللی مصرانه می‌طلبد که در این زمینه واکنش جدی نشان داده و سفارشات تخصصی به دست اندکاران قوانین و مناسبات بین‌المللی ارایه دهند.
- از سازمان ملل متحد و سازمانهای حقوق بشری جهانی می‌خواهیم که در مستندسازی و پیگیری این تخطی‌های فاحش علیه حقوق بشر، اقدامات منسجم‌تر و ملموس‌تر داشته باشند. در این راستا دو مطالبه در خصوص ایجاد مکانیسمی برای پاسخگوساختن مرتکبان نقض حقوق بشر و نیز پیگیری تحقیقات در مورد جنایت علیه بشریت حایز اهمیت است. از سال 2007 که دادگاه جنایی بین‌المللی تحقیق در مورد جنایت علیه بشریت در افغانستان را مطرح کرد، مردم افغانستان چشم به تصمیم‌های این محکمه دوخته‌اند. مابه محکمه‌ی جنایی بین‌المللی یادآور می‌شویم که سرانجام پس از 17 سال تحقیق، وقت اقدام فرا رسیده است. دادگاه با محاکمه‌ی مرتکبان جنایت علیه بشریت در افغانستان، باید مسببان این جنایات را پاسخگو سازند و به مصئونیت آنان پایان دهد.
- از رسانه‌های آزاد مطالبه می‌کنیم، با نشر و گزارش پالیسی‌ها و قوانین و اقدامات حکومت دیفکتوی طالبان، مانع نرمال شدن تخطی‌های گسترده و فاحش حقوق بشر شوند. رسانه‌ها باید با انعکاس این تخطی‌های فاحش، مانع عادی‌سازی جنایت علیه بشریت و آپارتاید جنسیتی شوند.
- نقض حقوق بشر و آپارتاید جنسیتی، به هیچ وجه مسأله‌ای داخلی یک کشور نیست. همکاران ما در جامعه‌ی مدنی، با پژوهش و اطلاع‌رسانی و راه‌اندازی مبارزات گسترده‌ی مدنی در داخل و خارج از کشور، صدای قربانیان این قوانین و جنایات را به جهانیان منعکس کنند.
- از حکومت دیفکتو انتظار داریم که این قانون را لغو کنند و زمینه‌ی امر به معروف شهروندان نسبت به حکومت در قالب تجمعات و مظاهره‌ها و دیگر فعالیت‌های مدنی، را مهیا سازد.